

تحول مفهوم قدرت و تأثیر آن بر سیاست منطقه‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران

رضا علی اکبریور

دانشجوی دکتری روابط بین الملل، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران

گزینه کشیشیان سیرکی*

گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمدرضا دهشیری

استاد روابط بین الملل، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران

اکبر ولی زاده

استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۱

چکیده

گفتمان اصیل انقلاب اسلامی، در فضای سیاست خارجی همواره تلاش نموده تا از خوانش نرم و سخت یک‌جانبه فاصله گرفته و به سمت توازن خوانش هوشمند از قدرت میل کند. در تمام سال‌های پس از انقلاب اسلامی، دولت جمهوری اسلامی ایران، با به‌کارگیری قدرت هوشمند، سیاست خارجی منطقه‌ای ایران را پیش‌برده است. در همین ارتباط، در نوشتار حاضر این پرسش مطرح شده که «به‌کارگیری قدرت هوشمند در سیاست منطقه‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران در قالب چه مؤلفه‌هایی طرح و تا چه اندازه با موفقیت همراه بوده و می‌باشد؟» تا دولت ج.ا.ا با بهره‌گیری و حمایت از حشدشعبی و نیل آن به عرصه‌ی سیاست و قدرت در عراق، بستری برای تعامل میان نظامی‌گری و دیپلماسی ایران در عراق و نیل به هوشمندسازی آن باشد. همچنین ایران در سال‌های بعد از بحران سوریه با آگاهی کامل توانسته است همزمان با تداوم قدرت آمریت سخت و نظامی خود در سوریه در قالب محور مقاومت، به تداوم روند دیپلماتیک نرم و اقماعی خویش برای پایان این بحران بپردازد. در سطحی دیگر ایران از توانایی دیپلماسی عمومی خود برای مقابله با اسرائیل و نقشه‌های این رژیم از طرق مختلف، خصوصاً مسیر حزب الله و حماس بهره‌گرفته است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، قدرت، قدرت هوشمند، دولت جمهوری اسلامی ایران، قدرت نرم، قدرت سخت.

* نویسنده مسئول: g.keshishyan71@gmail.com

مقدمه

از ابتدای وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۸ تا کنون که بیش از چهار دهه سپری می‌شود، تحولی بزرگ در ساختار و مفهوم قدرت در سیاست خارجی کشورها پدیدار شده است. اگر در گذشته کانون تمرکز قدرت بر مبنای قدرت نظامی و توانایی نیروهای ارتش یک کشور معطوف بود و یک کشور سیاست منطقه‌ای خود را از طریق اعمال قدرت سخت پی‌گیری می‌کرد، در نتیجه رخداد جهانی شدن دیگر این سطح از قدرت که به شکل عینی اعمال می‌شد، جایگاه و اهمیتش کم‌رنگ تر شد.

در نتیجه تحولات موسوم به جهانی شدن در اعمال قدرت منطقه‌ای یک کشور، به تدریج مسائلی همچون قدرت اقتصادی، قدرت دیپلماسی، وجهه بین‌المللی و در نهایت جنگ سایبری و اطلاعاتی در مقام مؤلفه‌های جدید قدرت مطرح شدند که اصطلاحاً از آن به عنوان قدرت نرم یاد شد. در نتیجه این تحولات نیز ماهیت قدرت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز با دگرگونی‌های بزرگی همراه شده است.

در عرصه تحولات جدید نیز دولت ج.ا.ا. گفتمان اصیل انقلاب اسلامی را به عنوان رویکرد حاکم بر سیاست خارجی، سرلوحه خود قرار داده است. مهمترین شاخص گفتمان اصیل انقلاب اسلامی در سیاست خارجی را می‌توان تعادل و توازن بین دو عنصر اساسی واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی یا به بیان دیگر واقع‌بینی و آرمان‌خواهی تلقی و تعریف کرد. و در همین راستا دولت ج.ا.ا. با گشودن افقی نوین فراروی بشریت توانست قدرت نرم افزاری خود را از رهگذر اندیشه ورزی و هنجارسازی در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای به منصفه ظهور رسانده و با آگاهی از اهمیت قدرت نرم در عصر وابستگی متقابل، از ابزارهایی نظیر دانش، فرهنگ و ایدئولوژی برای اعمال قدرت بر روی کشور های منطقه بهره گیرد.

با تمام این اوصاف، سیاست خارجی دولت ج.ا.ا. را می‌توان در قالب دیپلماسی هوشمند مورد خوانش قرار داد. دیپلماسی هوشمند در مقام ترکیبی از قدرت سخت و نرم در عرصه سیاست منطقه‌ای نیز به کار گرفته شده و بر همین مبنای پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که «به‌کارگیری قدرت هوشمند در سیاست منطقه‌ای ایران در قالب چه مؤلفه‌های طرح و تا چه اندازه با موفقیت همراه بوده است؟» در

پرداختن به این مسأله، به کارگیری قدرت هوشمند در سیاست منطقه‌ای ایران بعد از شروع بحران سوریه پیرامون مسائل اصلی ایران در منطقه خاورمیانه واکاوی و بررسی شده است.

الف) چارچوب نظری

نظریات مرتبط با قدرت، امروز از انعطاف مفهومی و تحلیلی زیادی برخوردارند؛ چرا که از تصلب اولیه خود تا پیش از دهه ۱۹۹۰ یعنی دوران طرح ایده جهانی شدن فاصله زیادی گرفته و دیگر به مثابه فهم سخت از قدرت دیده نمی‌شوند. امروزه نظریات قدرت علاوه بر نگاه سخت به قدرت، از طیفی از نظریات سخت، نرم و هوشمند نیز برخوردارند.

۱. قدرت سخت

در اندیشه سیاسی کلاسیک، از نظریه قدرت در اشکال مختلفی تعبیر و یاد شده است (ورنر، ۱۳۶۰: ۲۲). قدرت سخت با ارباب، دیگران را به انجام خواسته خود مجبور می‌سازد. از راهبردهای قدرت سخت در دیپلماسی، مداخله نظامی و تحریم‌های اقتصادی برای به اجرا درآوردن منافع ملی است (عالم، ۱۳۷۶: ۸۹). مورگنتا که به‌عنوان پدر رئالیسم کلاسیک تعبیر می‌شود، هدف نهایی همه دولت‌های ملی را کسب قدرت و افزایش و نمایش قدرت می‌داند و اهداف نهایی سیاست بین‌الملل را قدرت دانسته که کشمکش برای قدرت در زمان و مکان، گستردگی جهانی دارد (Morgenthau, 1973).

نظریه‌های رئالیستی که گاه از آنها به صورت مکتب اندیشه سیاست قدرت یاد می‌شود (قوام، ۱۳۸۴: ۷۹)، تنها به رویکرد کلاسیک محدود نمی‌شوند. در کنار رویکرد کلاسیک رئالیستی مورگنتا، رویکردهای دیگری در چارچوب این مکتب رئالیستی وجود داشته که از جمله رویکرد نورئالیسم کنت والتس و در پی آن دو رویکرد رئالیسم تدافعی و تهاجمی نیز با عنایت به سیاست قدرت و نیز خوانش غالباً سخت از قدرت شکل گرفته‌اند (والتس، ۱۳۹۴). این برداشت از قدرت در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به این سو با چالش مواجه شد و به تدریج طرح ایده نظری قدرت نرم شکل گرفت.

۲. قدرت نرم

جوزف نای که یکی از مطرح‌ترین صاحب‌نظران قدرت نرم است، معتقد است که رویکرد به قدرت نرم در تعارض کامل با قدرت سخت قرار دارد که در آن تسخیر کردن از طریق نیروی نظامی و قوه قهریه حرف اول را می‌زند (نای، ۱۳۸۷: ۲۴)؛ به عبارت دیگر، نای معتقد است آنچه وی با عنوان قدرت نرم درباره آن سخن گفته، در حقیقت راه غیرمستقیم دستیابی به خواسته‌ها می‌باشد، راهی که در آن از تهدید و سیاست چماق و هویج خبری نیست (همان). البته با گذشت زمان، تعریف و تفاسیر مختلفی درباره قدرت نرم به عمل آمد و حتی خود نای نیز بعدها بر وسعت و پیچیدگی تعریف قدرت نرم تأکید کرد (Nye, 2006). در مجموع می‌توان منابع ذیل را برای قدرت نرم برشمرد:

نخست؛ ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی: هر نظام سیاسی که بتواند ارزش و علایق مشترک جهانی ایجاد کند؛ توانایی دست‌یافتن به نتایج مطلوب خود را دوچندان می‌کند (Nye, 1990: 17).

دوم؛ اقتصاد: رشد اقتصادی، سیاست‌های رفاهی، سرمایه‌گذاری، امید به زندگی، پایین‌بودن میزان بیکاری و ... از جمله عواملی هستند که در روند تولید قدرت نرم نقش‌آفرینی می‌کنند (Vuvinga, 2009: 10-14).

سوم؛ سیاست: سیاست‌های حکومت در عرصه داخلی و بین‌المللی می‌تواند قدرت نرم را تقویت یا تضعیف کند (Nye, 1990: 17).

چهارم؛ صلاحیت در تعیین دستورکار: به توانایی بازیگران و سازمان‌های بین‌المللی اطلاق می‌شود که با به کارگیری قدرت، توان تعیین دستورالعمل‌هایی برای تصمیم‌گیری و حتی عدم تصمیم‌گیری جهت پیشبرد اهداف و کنترل بر نتایج را دارند (رینولد، ۱۳۸۹: ۷۳).

پنجم؛ مهارت‌های ارتباطی: بازیگر با در اختیار داشتن شبکه‌های ارتباطی ضمن کنترل بر نتایج «بحث‌ها» بر چگونگی طرح موضوعات تأثیر می‌گذارد و متناسب با نیت خود پیش می‌برد (رینولد، ۱۳۸۹: ۷۷).

ششم؛ توانایی کسب توافق: توافق اگرچه از شروط لازم برای فعالیت سیاسی نیست اما از شروط اولیه برای عملکرد سیاسی مؤثر است (رینولد، ۱۳۸۹: ۷۹).

۳. هوشمند از قدرت

مفهوم قدرت هوشمند به معنای ترکیب هدفمند و خردمندانه قدرت سخت و نرم در مقابله با تهدیدات به کار برده می‌شود. قدرت هوشمند اصطلاحی بود که جوزف نای در سال ۲۰۰۳ پیشنهاد داد تا آن را در برابر این باور اشتباه قرار دهد که قدرت نرم به تنهایی نمی‌تواند راهنمای سیاست خارجی مؤثر باشد. همچنین در سال ۲۰۰۷، او به همراه ریچارد آرمیتاژ، معاون سابق وزارت خارجه، ریاست کمیسیون دو حزبی را در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی برعهده داشت که در جهت شناساندن مفهوم قدرت هوشمند تشکیل شده بود (Wilson, 2004).

به عقیده وی، رهبران موفق در آینده کسانی هستند که مهارت به‌کارگیری دو قدرت را به‌صورت هوشمند داشته باشند. ایده اولیه ناسل و نظریه نای را می‌توان تحول مشهودی در موضوع قدرت دانست. طبعاً مخاطبان اصلی قدرت را دولت‌ها، نخبگان سیاسی، گروه‌های ذی‌نفوذ و نهادهای حکومتی تشکیل می‌دهند، زمانی که قدرت ماهیتی پیچیده پیدا کند، هر یک از بازیگران و ابزارهای یادشده نیز باید چنین وضعیتی پیدا کنند (Nye, 2004: 124). به همان گونه که اشکال و ابزارهای قدرت نیز در وضعیت تغییر، بازسازی و بهینه‌سازی قرار می‌گیرند، می‌توان قدرت هوشمند را به‌عنوان شکل تکامل‌یافته مؤلفه‌ها و موضوعات قدرت سیاسی و استراتژیک در نظر گرفت. هر یک از این مؤلفه‌ها می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتار با دیگران داشته باشند (Hinen, 2008: 28).

راهبرد قدرت هوشمند را که نای در پنج گام برای ساخت قدرت هوشمند برای آمریکا طرح‌ریزی کرده قابلیت اطلاق و استناد برای تمام کشورهای جهان را دارد. این گام‌ها عبارتند از:

گام نخست در طرح یک راهبرد، قدرت هوشمند و شفافیت اهداف است. در این خصوص برای برخی کشورها جستجو و حفظ برتری از نظر منابع قدرت، مهم و هدف عمده محسوب می‌شود ولی برخی کشورهای دیگر پیشبرد ارزش‌ها از طریق بهبود دموکراسی داخلی و نیز مداخله‌گری لیبرال در خارج از مرزهای خود را از اهداف اساسی قدرت می‌دانند.

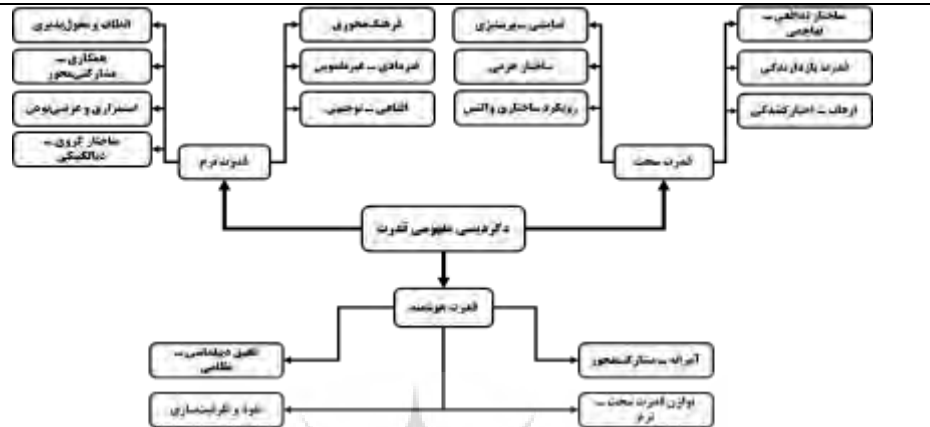
گام دوم، این گام را نای در ایجاد یک راهبرد قدرت هوشمند با تهیه فهرستی دقیق از منابع موجود و ارزیابی چگونگی تغییر این فهرست به فراخور بسترهای گوناگون می‌داند.

گام سوم ارزیابی منابع و اولویت‌های مخاطبان موردنظر برای تأثیرگذاری در راهبرد کلان قدرت هوشمند می‌باشد. در همین راستا شبکه پیچیده‌ای از وابستگی‌های دوسویه بین کشورهای دموکراتیک پسا صنعتی، منابع قدرت اقتصادی و قدرت نرم، نقش‌های مهم‌تری ایفا می‌کنند و استفاده از قدرت نظامی اصولاً پذیرفته نیست.

گام چهارم، این گام را نای برای یک راهبرد هوشمند، در انتخاب رفتارهای مناسب قدرت یعنی انتخاب قدرت آمرانه یا قدرت مشارکت‌انگیز در موقعیت‌های گوناگون و درپیش‌گرفتن تاکتیک‌هایی می‌داند که یکدیگر را به‌جای تضعیف، تقویت کنند (Nye, 2008: 337).

سرانجام **گام پنجم** در راهبرد قدرت هوشمند، ارزیابی دقیق احتمال موفقیت در نیل به اهداف، هم در سطح راهبرد کلان و هم از نظر تاکتیک‌های تأثیرگذاری معین است (Ibid: 340).

بنابراین خوانش سیاست منطقه‌ای ایران در این مقطع را با توجه به تحولات جهانی در عرصه قدرت نرم می‌توان در قالب مدل ذیل مورد بررسی و تحلیل قرار داد.



منبع: نگارنده

ب) تأثیر تحولات قدرت در عصر جهانی‌شدن بر ماهیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

روندهای امروزی و تغییرات در مسائل سیاسی، آثار درخور ملاحظه‌ای بر منابع و سرشت قدرت ایجادکننده آن دارد. با عنایت به تغییرات در عرصه سیاست جهانی، مشاهده می‌شود که توسل به قدرت -دست‌کم در میان کشورهای بزرگ- سرشت اجبارآمیز کمتری پیدا می‌کند (خرمشاد و متقی، ۱۳۹۵). منابع جدید قدرت، هم‌چون توانایی ایجاد ارتباطات مؤثر و ایجاد بهره‌هایی از نهادهای چندجانبه احتمالاً نقش مهم‌تری در این میان خواهند داشت. هر چند منابع سنتی قدرت، هم‌چون کمک اقتصادی و نیروهای نظامی، قادرند به حل مسائل جهانی‌شدن؛ هم‌چون تروریسم، تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و گروه‌های رادیکال و افراطی شبه‌نظامی کمک کنند (Sheehan, 2008 and Moravcsik, 2007) با این حال، منابع نوین قدرت، قدرت هوشمند امروزه به شکل تلفیقی منابع سنتی و نوین قدرت را در خود دارد.

در جهان امروز، انقلاب فراگیر جهانی، شکل‌ها و قالب‌ها و نیز ساخت‌ها و بنیان‌های قدرت را تحت تأثیر قرار داده است حضور فعال در عرصه روابط بین‌المللی و منطقه‌ای در کنار ارتباط میان ملت‌ها و دولت‌ها در سطوح سیاسی و فرهنگی از شاخص‌های قدرت متحول شده ناشی از جهانی‌شدن است که می‌تواند نمادی دیگر از گسترش جهانی‌شدن جهان تلقی گردد (اسلامی، آذر ۱۳۷۹: ۲-۶).

محیط امنیتی هر کشوری به طور سنتی متشکل از دو جزء داخلی و خارجی است و به عبارتی در تعامل با تحولات داخلی و بین‌المللی قرار دارد. به همان اندازه که تغییرات نظام سیاسی حاکم بر یک کشور بر جهت‌گیری‌ها، اولویت‌ها و مسائل امنیتی آن مؤثرند، تحولات عرصه بین‌المللی و تغییر در ماهیت و چگونگی توزیع قدرت آن نیز تأثیرات غیرقابل انکاری بر امنیت اجزای نظام دولت‌ها، نهادهای غیردولتی و غیررسمی و شهروندان می‌گذارد (محسنی، جاودانی‌مقدم و حاجی، ۱۳۹۷: ۱۱۸). در همین راستا می‌توان گفت؛ انقلاب اسلامی ایران نشان داد که قدرت دارای خاستگاه‌های بس ژرف‌تری از قدرت سخت و نرم است. این خاستگاه یک جریان سیال، پویا و برآمده از روح جمعی ملت است و به قدرت هوشمند بسیار نزدیک است (خرمشاد و متقی، ۱۳۹۵: ۳۶). به این دلیل که مبانی معنوی، معرفتی و اعتقادی قدرت در این روح جمعی، به مراتب از منابع سخت و متعارف قدرت، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

از منظر نای، تحولات عصر جدید و دوران ارتباطات گسترده و فناوری‌های نوین و شبکه‌ای‌شدن ارتباطات در حوزه‌های عمومی و خصوص، اعمال قدرت را با شیوه‌های جدیدی امکان‌پذیر کرده است. انقلاب ارتباطات، گسترش فضای مجازی و جهان شبکه‌ای، ظهور بازیگران فرادولتی و درنوردیده‌شدن مرزهای زمانی و مکانی در یک کلام، تفوق اندیشه جهانی‌شدن و دهکده جهانی، زمینه‌های لازم برای ظهور قدرت هوشمند را آماده نمود (فتاحی اردکانی؛ مسعودنیا و امام جمعه‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۴۵).

در این راستا، یکی از مهم‌ترین وجوه قدرت نیز در بهره‌گیری از فضای نوین ارتباطی، تکنولوژیک و فناورانه است. امری که زمینه‌ساز شکل‌گیری ایده قدرت سایبری شده است. جوزف نای معتقد است که قدرت در پنج قلمرو زمین، دریا، هوا، فضا و سایبر کاربرد دارد. اگر بتوان از طریق یکی از این پنج قلمرو،

منابع مورد نیاز برای تأثیر گذاری و گسترش آن‌ها را به دست آورد، موضوع قدرت، اعمال شده است. جوزف نای، حجم بالای اطلاعات را علت ورود کشورها به فضای سایبری می‌داند که این اطلاعات، طبق قانون مور در حال افزایش هستند و خود نیز ناشی از تحولی است که جهانی شدن بر وضعیت قدرت ایجاد نموده است (Nye, 13 December 2011). در این فضا، کنترل بر اطلاعات و تولید آن‌ها به معنای کنترل بر قدرت و توانایی پیگیری منافع است.

در می ۲۰۱۹ پاتریک شاناهان، سرپرست پیشین وزارت دفاع آمریکا، ایران را به افزایش اقدامات سایبری و جاسوسی از نهادهای دولتی و سازمان های تجاری آمریکا در دوره رئیس جمهوری روحانی به خصوص پس از خروج آمریکا از برجام متهم کرده بود (Garamone, MAY 24, 2019). در ارزیابی تهدید جهانی سالانه خود، انجمن اطلاعات آمریکا اذعان کرد هکرهای ایرانی فعلاً تنها قادر به ایجاد اثرات مخرب موقت هستند. با این حال، ارزیابی همچنین هشدار داد ایران از تکنیک‌های پیچیده سایبری استفاده می‌کند و تلاش می‌کند توانایی‌های خود را بهبود ببخشد. گزارش اتحادیه اروپا در ماه ژانویه منتشر شد و نتیجه گرفت که ایران احتمالاً به زودی تبدیل به یک قدرت سایبری خواهد شد (Moyer, JUNE 22, 2019 and Volz, June 21, 2019). دن کوتز، مدیر اطلاعات ملی آمریکا، در مجمع امنیتی «اسپن» در جولای ۲۰۱۸ به این مسأله اشاره کرد که ایران در حال آماده شدن برای هدف گرفتن شبکه‌های برق‌رسانی، نیروگاه‌های آبی و خدمات بهداشت و درمان شرکت‌های فن‌آوری ایالات متحده، اروپا و خاورمیانه بوده است (Stewart, Dec 18, 2018). البته به تدریج و به فراخور تحولات، ایران به نظر می‌رسد اهدافی دیگر را نیز مورد هدف قرار دهد که بنا به اهمیت و نیاز به دسترسی به این منابع، این موارد تغییر خواهد کرد.

یکی دیگر از پیامدهای جهانی شدن بر قدرت را می‌بایست در طرح دیپلماسی عمومی در عصر جهانی شدن فرهنگ دانست. با عنایت به اینکه مدیریت افکار عمومی، یکی از وظایف سیاست خارجی ایران در چارچوب قدرت نرم است، ضرورت بحث از دیپلماسی عمومی را می‌توان ناشی از تحول جهانی شدن بر قدرت دانست. جمهوری اسلامی به تناسب جایگاه و توانایی خود دارای میزانی از قدرت

نرم در کنار قدرت سخت در وضعیت هوشمند است. این فاکتور متحول قدرت در عصر جهانی شدن برای جمهوری اسلامی خود را در قدرت رسانه‌ای برون مرزی، تلاش برای پیوندهای فرهنگی با جامعه جهانی، تقویت روابط ملت - ملت، تلاش برای نیل به پیوندهای ارزشی - فرهنگی با مردمان سایر کشورها دانست (جوادی ارجمند، ۱۳۹۲). علاوه بر این، توانایی سایبری در حوزه تأثیرگذاری غیرمستقیم بر اذهان شهروندان کشورهای دیگر برای برآوردن امیال و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی از دیگر اقداماتی است که جمهوری اسلامی به شکل فعال در آن می‌کوشد.

ج. سیاست منطقه‌ای دولت ج.ا.ا: محوریت قدرت هوشمند

مؤلفه‌های آمریت - اقتناع، دیپلماسی - نظامی‌گری، قدرت سخت - نرم و نفوذ - ظرفیت‌سازی اصلی‌ترین نمودهای عینی و بیرونی نظریه قدرت هوشمند هستند. لذا در وضعیت هوشمند به‌کارگیری متوازن و متعادل هر دو ابزار دیپلماسی و قدرت نظامی یا اقتناع و آمریت که بر همان مبانی خوانش سخت و نرم از قدرت قرار دارد، لازم و ضروری است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۲). به این دلیل که در مدل قدرت سخت، قدرت در چارچوب «آمریت» معنا می‌یابد؛ در حالی که قدرت نرم با عنصر «اقتناع» تعریف می‌شود (پورحسن، ۱۳۹۶). در مدل تلفیقی و هوشمند آن نیز، توازن یا درهم‌کنشی قدرت نرم و سخت مبنا قرار می‌گیرد.

در بعد قدرت نرم نیز تأکید بر ابعاد پیوندهای فرهنگی، حضور مثبت و مؤثر در مجامع بین‌المللی، تأکید بر نفوذ نرم در کشورهای دیگر، ایجاد پیوندهای فرهنگی با جهان بیرون و خصوصاً لایه‌های فرهنگی هم‌پوشان چون جهان اسلام و جهان تشیع از مهم‌ترین اولویت‌های دولت ج.ا.ا بوده است. تأکید بر تنش‌زدایی، ایجاد زمینه‌های تقویت‌کننده گفت‌وگو و دیپلماسی نیز از مهم‌ترین دستورکارهای نرم سیاست خارجی جمهوری اسلامی، خصوصاً با تأکید بر لایه منطقه‌ای است (افضلی، ذکی و دشتی، ۱۳۹۷). در عین حال، بهره‌گیری پویا و کارآمد از دیپلماسی فرهنگی هوشمند در حوزه منطقه‌ای و بین‌المللی، با عنایت به اهمیت آن در گفتمان انقلاب اسلامی ایران نیز از اهمیت برخوردار است.

۱. دیپلماسی هوشمند ایران در عراق

عراق کشوری کلیدی و مهم برای ایران در چارچوب مؤلفه بخش حاضر می‌باشد. پرداختن به مسائل تاریخی و خوانشی از روابط دو کشور، در حوزه نوشتار حاضر نیست، بلکه هدف فهم مولفه‌های اصلی در سیاست منطقه‌ای ایران نسبت به عراق با عنایت به قدرت هوشمند می‌باشد.

۱-۱. اشتراکات مذهبی و ظرفیت‌سازی نفوذ ایران در عراق

قدرت نرم فرهنگی ایران در عراق از ابعاد و زمینه‌های گسترده‌ای برخوردار است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به وجود مؤلفه اشتراک مذهبی شیعه به‌عنوان محور برقراری ارتباط ایران با جریان‌های شیعی اشاره کرد. چنانکه دو شهر قم در ایران و نجف در عراق مراکز آموزش‌های شیعی هستند که هر دو دارای حوزه‌های علمیه مهم می‌باشند و تبادلات و تعاملات فرهنگی و مذهبی میان آنها از اهمیت اساسی در روابط دو کشور برخوردار است (Haynes, 2009: 31) به نقل از: صادقی و عسگرخانی، ۱۳۹۰: ۹۳۸). این پیوند، بیش از آن که از مجرای رویکرد دولت - ملت قابل خوانش باشد، می‌بایست بر مبنای پیوندهای امت‌محور شیعی مورد بحث قرار گیرد.

یکی از مناسب‌ترین تحلیل‌ها از نفوذ ایران در عراق به واسطه اشتراک مذهبی را می‌توان در گزارش روزنامه نیویورک تایمز مشاهده کرد. این روزنامه در گزارشی تحلیلی عنوان می‌کند: «امروز منابع رسمی دولت شیعه عراق افرادی هستند که عموماً از لحاظ سیاسی و مذهبی و شخصی بیشترین وابستگی‌ها را به ایران دارند» (صادقی و عسگرخانی، ۱۳۹۰).

در مجموع در دیپلماسی عمومی و هوشمند ایران در عراق، کشوری که بعد از ایران دومین جمعیت بزرگ شیعه در خاورمیانه را دارد، روابط دینی نقش مهمی را ایفا می‌کند. در همین راستا کنفرانسی با مدیریت مشترک دانشگاه علامه طباطبایی تهران و دانشگاه کربلا نیز هر سال کارشناسان و محققان را برای ثبت این رویداد، بررسی نقش آن در فرهنگ عراق و بحث در مورد چگونگی استفاده از آن برای

تحول مفهوم قدرت و تاثیر آن بر سياست منطقه‌ای دولت جمهوری اسلامی ايران ۲۲۴

ارتقای میانه‌روی مذهبی و همزیستی مسالمت‌آمیز گرد هم جمع می‌کند (Elias, 8 January 2019) که این امر به معنای ورود عرصه آکادمیک به بررسی پیوندهای امت‌محور و روابط فرهنگی میان دو کشور است.

۱-۲. جغرافیای فرهنگی مشترک با عراق و دیپلماسی عمومی کردها

دومین محور نفوذ فرهنگی ایران در عراق را می‌توان در ارتباط با اشتراک فرهنگی در چارچوب جغرافیای فرهنگی تاریخی مشترک میان ایران و عراق، با تأکید و تمرکز بر کردهای این کشور با ایرانیان ارزیابی کرد. «از نگاه ایرانیان، کردها بخشی مهم از تاریخ سلسه حکومت‌های باستانی ایران از جمله امپراطوری مادها (۷۲۸-۵۵۰ ق.م)، هخامنشیان (۵۵۰-۳۳۱ ق.م)، اشکانیان (۲۴۷ ق.م - ۲۲۶ م) و ساسانیان (۲۲۶-۹۳۶ م) بوده‌اند. در همین رویکرد، زبان کردی یکی از زیر شاخه‌های زبان هند و ایرانی است (احمدی، ۱۳۷۸: ۷۶). بنا بر همین نگاه نیز مردم ایران همواره نسبت به کردها احساس علاقه خویشاوندی داشته‌اند، هم‌چنان‌که رفتار دولت ایران نیز نسبت به کردها در مقایسه با رفتار دو دولت همسایه دیگر معتدل‌تر بوده است؛ هرچند نارضایتی در میان کردهای سنی وجود دارد و به‌ویژه از جانب نیروهای خارجی تشدید می‌شود (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۶۱). اما همگرایی درونی کردها با ایران و نیز پیوندهای عاطفی کردهای عراقی با جمهوری اسلامی، عامل تقویت‌کننده پیوند متقابل است.

۱-۳. مناسبات اقتصادی ایران و عراق در چارچوب سیاست منطقه‌ای ایران

یکی دیگر از محورهای قدرت نرم ایران در عراق بعد از ۲۰۰۳ که می‌توان از آن به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی قدرت هوشمند ایران در عراق یاد کرد در ارتباط با پیوندهای اقتصادی و صادرات محصولات تجاری تهران به کشور عراق است؛ چنانکه ایران و شرکت‌های دولتی برای بازسازی عراق، سرمایه‌گذاری‌های عظیمی را انجام دادند. گفته می‌شود دولت ایران برای بازسازی طرح‌هایی در شهرهای مقدس عراق، هر ساله ۲۰ میلیون دلار فراهم می‌کند که زیرساخت‌های توریستی شهر را بهبود می‌بخشد (صادقی و عسگر خانی، ۱۳۹۰: ۹۴۰). در حوزه صادرات نیز، مبادلات اقتصادی دو کشور

همواره روند صعودی را طی کرده است؛ چنانکه حجم صادرات غیرنفتی ایران در سال ۲۰۱۴ (۱۳۹۳) به بیش از ۶ میلیارد دلار رسید (سایت سازمان توسعه تجارت ایران www.tpo.ir). در عین حال کردستان عراق وابستگی تجاری و اقتصادی شدیدی به تولیدات ایرانی و نیز بنادر کشور برای واردات کالا احساس می‌کند که جمهوری اسلامی می‌تواند با وجود تشدید ویروس کرونا و بسته‌بودن مرزها به روی اقلیم، از این فرصت برای تقویت این روابط بهره برد.

۴-۱. نقش ایران در مناسبات مستشاری و حشد شعبی در عراق

علاوه بر محورهای قدرت نرم ایران در کشور عراق، بهره‌گیری از قدرت سخت یا حضور نظامی یکی دیگر از ابعادی است که برای تکمیل قدرت هوشمند ایران در این کشور ضروری به نظر می‌رسد. این عرصه به ویژه زمانی مجال عرض اندام پیدا کرد که گروه تروریستی داعش موفق شد بیش از یک سوم سرزمین عراق را به کنترل خود در آورد (سلیمی و زرین‌ترگس، ۲۶ خرداد ۱۳۹۳: دوهفته‌نامه دیار کهن). هر چند ایالات متحده با حملات هوایی اربیل را حفظ نمود و سلاح‌هایی برای پیشمرگه‌ها تدارک دید اما کردها خود را در مرزی به طول ۱۰۵۰ کیلومتر با داعش دیدند (Phillips, 2015: 4). همین مسأله موجب شد در شرایطی که هم اربیل و بغداد در خطر سقوط قرار داشتند، خواهان حمایت و کمک ایران شوند (عبداللهیان، ۱۴ مرداد ۱۳۹۴). براین اساس از همان ابتدای بحران عراق، جمهوری اسلامی ایران با محوریت سپاه قدس کمک‌های مستشاری به این کشور را در دستور کار خود قرار داد و باعث آزادسازی مناطق راهبردی عراق مانند «امرلی» و «جرف الصخر» شد (Abdul-Zahra & Vivian, 2014). امروزه نیز جمهوری اسلامی با تقویت این نیروها و نیز تشویق نیروهای حشدعشایری در مناطق سنی عراق، توانسته بر این مولفه روابط، تمرکز نموده و نیز در تقویت آن کوشا باشد.

در مجموع مهم‌ترین ابعاد قدرت سخت ایران در کشور عراق بعد از ظهور داعش را می‌توان در ۶ مؤلفه ذیل جمع بندی کرد:

نخست. حضور پررنگ در عراق در جهت جلوگیری از پیشروی داعش.

دوم. تلاش برای حفاظت از اماکن مقدس عراق در مقابله با داعش بر اساس فرمان مرجعیت.
سوم. ارتباط بیشتر با اقلیم کردستان عراق در جهت جلوگیری از پیشروی داعش در اقلیم.
چهارم. سازماندهی نیروهای شبه نظامی و مردمی شیعی در عراق برای مقابله با داعش با هدایت سردار سپهبد شهید قاسم سلیمانی.
پنجم. انجام فعالیت مستشاری در ارتش عراق برای مقابله با داعش توسط سپاه قدس.
ششم. تقویت حضور نظامی مستقیم در داخل خاک عراق در مجاورت مرزهای ایران (سنایی و کاویانپور، ۱۳۹۰).

در واقع در این شرایط ایران به این درک رسیده بود که تهران برای کمک به شریک منطقه‌ای خود و نیز حفظ منافع خود در این کشور، علاوه بر بهره‌گیری از مؤلفه‌های قدرت نرم به شکل صریح از قدرت سخت و توان نظامی و مستشاری خود نیز بهره بگیرد (Cooper, 2015).

۲. دیپلماسی هوشمند دولت ج.ا.ا در سوریه

سوریه کشوری به غایت حیاتی و استراتژیک برای دکترین قدرت هوشمند ایران است. این کشور دارای روابط بسیار دیرینه با انقلاب اسلامی بوده و مهم‌ترین کشور دوست و برادر ایران در جهان عرب در چهل سال اخیر به حساب آمده است.

۲-۱. گسترش حوزه نفوذ به مدیترانه

در مورد حمایت ایران از نظام سوریه، مخالفان ایران مدعی‌اند که ایران در مورد سوریه برخلاف سیاست خارجی خود که از جمله مبارزه با مستکبران و یاری مستضعفان می‌باشد، رفتار کرده است. جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به انتقادات فوق به این نکته اشاره می‌کند که در سوریه برخلاف بحرین که اکثریت مردم با رژیم آن کشور مخالفند و فقط اقلیتی ضعیف حامی دولت می‌باشند؛ موضوع کاملاً عکس می‌باشد و اکثریت مردم از دولت سوریه پشتیبانی می‌نمایند و مخالفان را اقلیتی از گروه‌هایی مانند

القاعده و اخوان المسلمین، با گرایش‌های سلفی تشکیل می‌دهند که در شهرهای مرزی مستقر بوده و از حمایت مالی، تسلیحاتی و تبلیغاتی قدرت‌های خارجی برخوردار می‌باشند (عسگرخانی و تقی، ۱۳۹۵).

مسأله نفوذ استراتژیک کشور در سوریه و تلاش ایران برای حفظ آن نیز، یکی دیگر از استدلال‌های حمایت ایران از دولت اسد است. از لحاظ ژئوپلیتیک نیز به این نکته اشاره می‌شود که اینک عمق استراتژیک ایران گسترش یافته و در غرب تا سواحل دریای مدیترانه امتداد یافته است. بنابراین مرزهای لبنان و سوریه به عنوان خط مقدم منطقه نفوذ ایران تلقی می‌شود.

به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که «هرگونه تلاش غیردموکراتیک برای حذف اسد منجر به نسل‌کشی علوی‌ها و شیعیان در سوریه و کاهش نفوذ ایران می‌شود که این موضوعی نیست که ما خواهان آن باشیم، آن هم به هر قیمتی که برای ما داشته باشد» (Bozorgmehr, APRIL 16, 2016)؛ چرا که در نهایت احتمال سازش میان غرب و روسیه بر سر سوریه نیز وجود دارد. همین عامل به نزدیکی بیشتر اسد به ایران و نیز تقویت روابط دو طرف انجامیده و تکلیف ایران برای کمک به سوریه و نیز شیعیان این کشور را بیشتر می‌کند.

۲-۲. محور مقاومت و حضور نظامی در سوریه

حضور و مشارکت سوریه در راهبرد منطقه ای ایران راکه با عنوان محور مقاومت متشکل از خط اتصال نیروهای مخالف تجاوزگری اسرائیل در منطقه شامل حزب الله لبنان، سوریه، عراق و ایران نمایان شده است، باید در واقع در یک پروسه تاریخی حمایت از آرمان آزادی فلسطین و در راستای تخاصم چندین دهه ای این کشور با اسرائیل بازخوانی کرد که در طی آن جمهوری اسلامی ایران توانست با حمایت های معنوی و مادی خود باعث ایجاد نزدیکی بیشتر دمشق - تهران شده تا از این طریق ایران بتواند با ایجاد رابطه پایدار با سوریه همزمان در دو جهت فعالیت کند؛ از یک طرف می‌توانست خط اتصالی بین تهران و حزب الله ترسیم کند و از طرف دیگر می‌توانست مستقیماً به کنترل تحرکات اسرائیل در راستای حفظ امنیت خود بپردازد (Shapira, 1988: 122).

در نتیجه این روند، جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدای بحران سوریه به درخواست کمک دولت سوریه (در راستای توافق نامه همکاری‌های دفاعی ۲۰۰۶) و به منظور مبارزه با تروریسم، کارشناسان نظامی خود را در قالب مستشار نظامی به آن کشور اعزام کرد که این وظیفه به عهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار داده شد (Seeberg, 2012). به‌طور کلی حضور نظامی مستشاری و مستقیم ایران در بحران سوریه بخشی جدایی‌ناپذیر از قدرت هوشمند ایران برای حفظ و توسعه نفوذ و ظرفیت منطقه‌ای خود می‌باشد. نتیجه این رویکرد جریان تحولات کشور سوریه بعد از سال ۲۰۱۶ تا کنون نیز به‌وضوح قابل مشاهده است. در واقع پیروزی‌های میدانی و غلبه نیروهای حکومت مرکزی بر جریان‌های تروریستی نشان‌دهنده صحت راهبرد ایران در بهره‌گیری از قدرت سخت به شکل هوشمند می‌باشد که توانسته به نفع محور مقاومت عمل نموده و یک حلقه مواصلاتی استراتژیک برای این محور با حضور در سوریه، علیه اسرائیل و دشمنان ایران و محور مقاومت ایجاد کند.

۲-۳. دیپلماسی سیاسی - فرهنگی ایران در سوریه

ایران هم‌چنین با تمام قوا با هرگونه مداخله طرف خارجی در امور داخلی سوریه مخالف بوده و تلاش کرده است با رایزنی و مذاکره با دیگر حامیان سوریه؛ نظیر چین و روسیه، مانع از دخالت قدرت خارجی در تحولات داخلی سوریه شود. به طور کلی از ابتدای بحران تا به امروز، دیدگاه ایران برای حل بحران سوریه را می‌توان در موارد زیر خلاصه و ملاحظه کرد:

- توقف نبردها و عملیات‌های مسلحانه؛
- گفت‌وگوی میان نظام سوریه و جریان‌های معارض سوری؛
- حفظ وحدت و یکپارچگی و تمامیت ارضی و بافت و ساختار ملی سوریه؛
- برگزاری انتخابات ریاست جمهوری با نظارت سازمان ملل و طرف‌های بین‌المللی و مشارکت و حضور تمام طرف‌ها و جریان‌ها در آن و سر فرود آوردن در برابر خواست و اراده مردم و تصمیمات اتخاذ شده توسط آن در این انتخابات.

در وضعیت کنونی، به ویژه از دو سال گذشته به این سو، با تشدید تنش میان غرب و ترکیه بر سر مسائل مرتبط با بحران سوریه، آنکارا به شدت به ایران و روسیه در خصوص بحران سوریه نزدیک شده است. این نزدیکی باعث شده تا نشست‌های سه‌جانبه‌ای میان این سه کشور در پایتخت‌های مختلف آنها برگزار شود (خبرگزاری اسپوتنیک، ۲۰۱۸/۱۲/۱۷). با وجود تنش‌هایی در میان این سه طرف، بر سر مسائل سوریه و خصوصاً ادلب، اما منافع مشترک آنها در این منطقه و نیز تهدیدهای امنیتی ناشی از وضعیت سوریه برای ترکیه، عامل تداوم روابط این طرفها خواهد بود.

۲-۴. پیوند ناسیونالیسم عربی و هویت ایرانی اسلامی

افزایش قدرت علویان سوریه در دوران پس از استقلال سوریه در سال ۱۹۴۴ نقطه عطفی در رابط ایران و سوریه ایجاد کرد که بتواند با افزایش نفوذ خود در کشور سوریه خط اتصالی بین ناسیونالیسم عربی رقیق شده در سوریه و هویت ایرانی-اسلامی ترسیم نماید و در قالب استراتژی‌های منطقه‌ای و خاورمیانه‌ای بتواند بین این دو تفکر آشتی ایجاد کند که این امر با حمایت از حزب الله و حماس و همچنین حمایت از گروه‌های ضداسرائیلی توسط دولت سوریه که تحت اختیار علویان سکولار بود، تقویت شد (Prados and Sharp, 2005: 17). در این میان، حمایت ایران از اسد در بحران داخلی اخیر، تلاش برای حفظ نظام و دولت قانونی این کشور بر قدرت، تقویت نظامی آن و نیز کنترل دوباره دولت سوریه بر کشور، عامل تقویت این پیوند بوده است.

۳. دیپلماسی هوشمند ایران در قبال بحران یمن در سال‌های بعد از ۱۳۹۲

اعتراضات مردمی در یمن در سال‌های اخیر که با اعتراض به افزایش قیمت سوخت به رهبری جریان انصارالله- شاخه سیاسی حوثی‌ها- شکل گرفت و به سوی صنعا، پایتخت یمن، گسترش یافت (Haykel, June 14, 2011)، منجر به سقوط دولت یمن، امضای توافقنامه «صلح و مشارکت ملی» بین حوثی‌ها و رئیس‌جمهور پیشین یمن و تسلط حوثی‌ها بر کلیه مراکز مهم و استراتژیک پایتخت

شد. این تحول سریع و غافلگیرکننده و پیشروی ادامه‌دار جماعت انصارالله از چند جنبه مهم قابل بررسی است: نخست آنکه بخشی از این تحولات توسط جریانی هدایت می‌شود که خود را طرفدار ایران می‌داند و می‌تواند منجر به تشکیل دولتی در یمن گردد که حداقل بخشی از آن طرفدار ایران باشد. دوم اینکه این تحولات در کشوری رخ داده که از آن به عنوان حیات خلوت عربستان یاد می‌شود (مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۸). سوم این‌که این نیروی تحت حمایت ایران به ابزاری قوی در سیاست خارجی ایران در رقابت با عربستان و امارات، خصوصاً در حوزه دیپلماسی و امنیت انرژی بدل شده که نمونه آن حمله به تجهیزات آرامکو بسیار برجسته است.

۳-۱. محور مقاومت و نفوذ فرهنگی ایران در یمن

یمن، قریب به ۲۲ میلیون نفر جمعیت دارد که ۳۵ درصد آنها شیعیان زیدی مذهب می‌باشند؛ یعنی قریب ۶/۵ میلیون نفر. طبق آمارهای سازمان سیا در آمریکا، در سال ۲۰۱۰ در حدود ۳۵ درصد از جمعیت ۲۶ میلیون نفری یمن را شیعیان و ۶۵ درصد را سنیان تشکیل می‌دهند. در آخرین آمارهای رسمی از همین پایگاه اطلاعاتی در سال ۲۰۱۶، جمعیت یمن ۲۷،۳۹۲،۷۷۹ نفر بوده است که از این میزان، ۹۹/۱ درصد مسلمان بوده و از جمعیت مسلمان نیز ۶۵ درصد آن‌ها سنی و ۳۵ درصد نیز شیعه هستند (CIA.GOV, 2016 and Islamic web). از همین منظر باید گفت که شیعیان یمن در طول تاریخ، با وجود این جمعیت قابل توجه، همواره از مناصب و قدرت در این کشور کنار گذاشته شده‌اند، لذا طبیعی است که زمینه برای تنش میان آنها و حکومتشان وجود داشته باشد.

با نظر به مسأله کلیدی نفوذ و جایگاه ایران در یمن، این موضوع نگرانی‌های عربستان سعودی و آمریکا را هم برانگیخته است. تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان یمن - به ویژه جنبش حوثی‌ها - عمیق است و در میان آنها تأکید بر آرمان‌های انقلاب اسلامی مانند مبارزه با صهیونیسم و استکبارستیزی کاملاً مشهود است (نجات و دیگران: ۱۳۹۵: ۱۶۷). در عین حال به لحاظ اعتقادی نیز، آنها در حال بازسازی ارزشهای مشترکی با جمهوری اسلامی هستند که از آن میان می‌توان به حرمت و

اهمیت ولایت فقیه، تلاش برای تقویت محور مقاومت، ضدیت با جبهه سنی به رهبری عربستان اشاره کرد.

۲-۳. حمایت از حوثی‌ها در چارچوب آمریت، سخت و نظامی

یمن از سال ۲۰۰۴ درگیر ناآرامی‌هایی بوده است که در آن شیعیان زید الحوثی نقش داشته‌اند. این ناآرامی‌ها در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ گسترده‌تر شد و با رسوخ به عربستان و استان سعده، به دخالت نظامی عربستان منجر گردید. این گمان وجود داشت که شیعیان زیدی از جانب ایران پشتیبانی می‌شوند. تقابل فرقه‌ای شیعیان زیدی با سنی‌های سلفی در ژانویه ۲۰۱۲ نیز گزارش شد. به رغم این ویژگی، شیعیان زیدی ملهم از تحولات دیگر کشورها خود را در کنار سایر معترضان سیاسی قرار دادند. حوثی‌ها به تدریج نفوذ بیشتری یافتند و توازن قدرت را در یمن برهم زدند و روایت حاکم از نظم سیاسی را به چالش کشیدند (International Crisis Group, 10 June 2014). در این میان آنها به حمایت نظامی و مشاوره‌ای ایران نیز نیاز داشتند.

در سالهای گذشته همواره این احتمال وجود داشته است که یمن به افغانستانی دیگر بدل شود و حمایت ایران از حوثی‌ها، این کشور را در مواجهه با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار دهد و بدین ترتیب علاوه بر برنامه هسته‌ای، دل مشغولی مهمی از حیث آینده منطقه از ناحیه ایران برای غرب مطرح شود (Nayef, Herd and Watanabe, 2011: 3). با وجود این، این دغدغه کلیدی در حوزه پیرامونی سیاست منطقه‌ای ایران، توانسته از توانایی لازم برای چرخش قدرت به نفع محور مقاومت در مقابل محور وهابیت عمل نماید.

۳-۳. سیاست اقناعی کمک‌های بشردوستانه ایران به یمن

جمهوری اسلامی ایران در زمینه کمک‌های بشردوستانه، همزمان با استقبال از تحولات مردمی در یمن، خطوط پروازی مستقیم بین تهران و صنعاء پایتخت یمن، راه‌اندازی نمود که غالباً با اهداف بشردوستانه ایجاد شده بود. این اقدام قرار بود با حداکثر ۱۴ پرواز در هفته به صورت پروازهای مستقیم میان دو کشور دائر شود. اولین پرواز میان دو کشور حامل محموله کمک‌های دارویی و انساندوستانه ایران به

تحول مفهوم قدرت و تاثیر آن بر سیاست منطقه‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران ۲۳۲

یمن بود که در همان اوایل شروع این طرح به اجرا درآمد (BBC, 2015). در عین حال، ایران از مسیر دریایی به ارسال کمک‌های بشردوستانه و غذا برای مردم یمن از مسیر جیبوتی نیز اقدام نموده و بارها برای این مردم جنگ زده کمک‌هایی ارسال کرده است (خبرآنلاین، ۲ خرداد ۱۳۹۴). اما پس از آن که عربستان حملات خود به یمن و بندر حدیده را تشدید نمود، رساندن کمک‌های ایران با مشکل مواجه شد که به نظر می‌رسد ایران از راه‌های مختلف به ارسال کمک‌ها ادامه می‌دهد.

۳-۴. دیپلماسی هوشمند دولت ج.ا.ا در قبال عربستان سعودی

عربستان رقیب اصلی ایران در خاورمیانه و عامل ترویج سنی‌گرایی سلفی و افراطی در منطقه است. این کشور، ایران و شیعیان را به عنوان عامل اصلی تهدید خود قلمداد می‌کند، چرا که ایران و محور مقاومت که غالباً شیعه هستند، زمینه را برای درهم‌شکستن استبداد اسلامی عربستان فراهم نموده و نیز قدرت این کشور را به چالش کشیده‌اند. در عین حال شیعیان عربستانی که مورد سرکوب افراطی رژیم آل سعودی قرار داشته‌اند به واسطه اقدامات ایران و محور مقاومت، از جایگاه خود آگاه شده و به مطالبه‌گری روی آورده‌اند. لذا طبیعی است که عربستان یکی از مهم‌ترین محورهای سیاست منطقه‌ای ایران قرار گیرد.

۳-۴-۱. شیعیان عربستان و موضوعیت قدرت نرم و دیپلماسی عمومی - اقناعی ایران

دولت ج.ا.ا طی ۶ سال گذشته از دیپلماسی عمومی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی اقداماتش در جهت شکل‌گیری متغیرهای سیاست منطقه‌ای خود در خاورمیانه و خصوصاً در رقابت با عربستان سعودی استفاده می‌کند.

صدا و سیمای ایران، شبکه‌های رسانه‌ای عرب‌زبانی را اداره می‌کند که از جمله آن‌ها شبکه «الکوثر»، با تمرکز روی برنامه‌های مذهبی و فرهنگی و شبکه خبری «العالم» (شبکه خبری ۲۴ ساعته‌ای برای رقابت با دیگر شبکه‌های مشابه مانند الجزیره و العربیه) است. هدف این شبکه‌ها ترویج ایدئولوژی دولتی ایران و مهم‌تر از آن «خنثی‌سازی» تبلیغات و لفاظی‌هایی است که جمهوری اسلامی را هدف قرار

داده‌اند (Bani Kamal, 2018). لذا طبیعی است که این اقدامات و نیز موفقیت دیپلماسی عمومی ایران باعث ترس سعودی‌ها شود.

اسناد افشاشده سعودی [در وبسایت ویکی‌لیکس] نشان می‌دهد که دولت این کشور از سال ۲۰۱۰ نگران هرگونه تأثیرگذاری احتمالی العالم در منطقه، به ویژه در شرق عربستان (جایی که بسیاری از شیعیان عربستانی زندگی می‌کنند) و بحرین بوده و موفق شده است تا دو سرویس‌دهنده ماهواره‌ای عرب را نیز به حذف العالم از موجهایشان متقاعد کند. با این حال، شبکه‌های دیگری نیز در منطقه هستند که اگرچه به وضوح وابسته به ایران نیستند، اما از خطوط ترسیم‌شده جمهوری اسلامی پیروی و روایت‌های این کشور را تقویت می‌کنند؛ از جمله این شبکه‌ها «المیادین» است که به عنوان شبکه «ضدالجزیره» راه‌اندازی شد (Cull, 13 April 2011). هرچند شبکه الجزیره نیز در مواردی به نفع جمهوری اسلامی موضع می‌گیرد و می‌بایست تمرکز بر ضد رسانه‌هایی چون الحدت و العربیه باشد.

۳-۴-۲. حوثی‌ها و محور مقاومت در مناسبات سخت ایران و عربستان

شکست داعش در عراق و اخراج این گروه از تکریت که از سوی بسیاری از ناظران با توجه به عملیات در جریان ارتش عراق، نیروهای داوطلب و با کمک و مشاوره جمهوری اسلامی ایران قریب الوقوع به نظر می‌رسد، نمونه‌ای از تضعیف نقش رقبای ایران مانند دولت‌های عرب خلیج فارس که حامی نظامی و مالی داعش بوده‌اند، به شمار می‌رود (Nayef, Herd and Watanabe, 2011: 3). این گام اساسی، اقدامی نمادین در توسعه قدرت سخت و نظامی و آمریت ایران در رقابت با عربستان بود که بعدها خود را به شکلی نوین و در یمن و در قالب حمایت از حوثی‌ها به نمایش گذاشت.

۳-۴-۳. مسأله نفوذ ایران در منطقه با تأکید بر یمن در مرز عربستان

الگوی رفتاری عربستان نشان می‌دهد که دولت آن کشور نمی‌خواهد اجازه دهد که تحول قدرت منطقه‌ای ایران ادامه پیدا کند و یا اینکه ارتقای نقش منطقه‌ای ایران به سکوت بگذرد. بنابراین از الگوی تهاجمی استفاده می‌کند (ترابی، ۱۳۹۰: ۱۶۰-۱۵۸). عربستان به شدت نگران نفوذ منطقه‌ای ایران

به‌ویژه در میان شیعیان است (Barzgar, 2012) و تلاش می‌کند تا نقش و نفوذ آن را کاهش دهد. در واقع مقابله با نفوذ ایران در عراق، لبنان، سوریه و نزدیک‌ترین همسایه‌های خود یعنی بحرین و یمن از مهم‌ترین اهداف عربستان در منطقه است (Terrill, 2012). عربستان در سال‌های گذشته در چارچوب رقابت ایران بر سر برتری منطقه‌ای به‌شدت از گسترش نفوذ جمهوری اسلامی در عراق و لبنان و بحرین و تشکیل آنچه که باعنوان «هلال شیعی» نامیده می‌شود، نگران بوده و تلاش کرده است که این نفوذ را مهار کند.

در همین راستا فرید زکریا می‌گوید: «آنچه سعودی‌ها را به حملات علیه یمن کشاند این است که آن‌ها دولتی شیعی در یمن نمی‌خواهند»؛ به تعبیر دیگر عربستان سعودی دولت شیعی در یمن را مشکلی بزرگ برای رژیم خود می‌بیند (زکریا، ۱۳۹۴: ۴۳). جمع بین این دو مورد این است که عربستان حاضر به پذیرش عراقی دیگر نیست که به حاشیه قدرت ایران در مقابل جهان عرب سنی بدل شود.

۳-۵. فلسطین و لبنان در کانون تنش ایران و اسرائیل

یکی از مسائل کلیدی مبتلابه سیاست منطقه‌ای ایران در خاورمیانه، موضوع اسرائیل است. مسأله آینده منطقه با توجه به منافع و امنیت اسرائیل نیز قابل بررسی است. از این منظر به قدرت رسیدن شیعیان در یمن در کنار قدرت‌یابی شیعیان در عراق و لبنان، پایگاه نفوذ و مقبولیت الگوی مورد نظر ایران را برای حکومت‌داری گسترش می‌دهد و تهدیدات، متوجه متحدین منطقه‌ای غرب یعنی اسرائیل و رژیم‌های پاتریمونیال عرب را افزایش می‌دهد (Lewis, 2011: 22). در این مسیر توان ائتلاف‌سازی تهران نیز فزون‌تر می‌شود؛ واقعیتی که از گذشته آغاز گشته و اکنون در اوج خودنمایی است. از همین منظر است که ایران غالباً به مسأله اسرائیل از چارچوب دو نیروی حزب‌الله و حماس نگریسته است؛ به‌گونه‌ای که این دو نیرو، اهرم فشار ایران علیه اسرائیل به حساب می‌آیند.

۳-۵-۱. دیپلماسی عمومی ایران در مقابله با اسرائیل از طریق حزب الله لبنان

در لبنان دیپلماسی عمومی ایران عمیقاً با حمایت این کشور از حزب الله گره خورده است. شبکه «المنار»، وابسته به حزب الله، از سال ۱۹۹۱ پخش برنامه‌های خود را از بیروت آغاز و با انتشار تصاویر و ویدیوهای صریح [سانسورنشده و گاهی خشن] از میدان جنگ و حملات به سربازان اسرائیلی، بر نقش حزب الله به عنوان یکی از نیروهای مقاومت علیه اسرائیل تأکید کرده است. گزارش‌ها حاکی است که المنار همچنین یکی از نخستین منابعی بوده است که تئوری توطئه مبنی بر دخالت اسرائیلی‌ها و یهودیان در حملات ۱۱ سپتامبر در آمریکا را پخش کرد (Bani Kamal, 2018). این دیپلماسی عمومی به شکل فراگیر و تا امروز نیز ادامه داشته و به شکل قدرتمندی در اقناع شیعیان لبنان به حمایت ایران از آنها و نیز لزوم مقابله با اسرائیل و جنگ با آن در هر زمان موفق بوده است.

۴. حماس و تداوم محور مقاومت اسلامی و خط مقدم مبارزه با اسرائیل

حماس در سال‌های گذشته در خط مقدم مبارزه با اسرائیل قرار داشته و به عنوان نیروی اصلی مقاومت اسلامی در مقابله با زیاده‌خواهی و اشغالگری اسرائیل شناخته می‌شود که از این میان می‌توان به دوره‌های مختلف انتفاضه اشاره کرد که حماس نقش اصلی مقاومت را در مقابل نیروهای اسرائیلی داشته است (Rudoren, 7 Sept 2014). در ارتباط و پیوند حماس و ایران، بدون اشاره به روندهای تاریخی، می‌توان گفت این نیرو تداوم محور مقاومت با رنگ‌وبویی سنی است که به شیعیان بیش از گروه‌های رادیکال سنی نزدیک است. با وجود تنش در روابط میان حماس و ایران در سال‌های اخیر، اما در مرداد ۱۳۹۸، با سفر هیأت بلندپایه حماس به تهران شاهد تجدید و بازسازی روابط میان دو طرف بوده که هدف آن تقویت محور مقاومت و مقابله با اسرائیل است.

حمایت ایران از حماس در مقابل فلسطین در بعد سخت نیز ادامه داشته و دارد. شبکه المیادین در مصاحبه‌ای با یحیی السنوار، رئیس جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) در همایش بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین در غزه، آورده است که «ایران ما را به موشک مجهز کرد درحالی که

تحول مفهوم قدرت و تاثیر آن بر سیاست منطقه‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران ۲۳۶

کشورهای عربی ما را تنها گذاشتند. در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ نیز مقاومت اسلامی فلسطین با کمک ایران، تل آویو را با موشک‌های فجر هدف قرارداد» (ایرنا به نقل از المیادین، ۹ خرداد ۱۳۹۸). این نمایش قدرت، همان لایه قهری از قدرت هوشمند است که می‌تواند در کنار لایه نرم حمایت از محور مقاومت در فلسطین به شکل متوازن عمل کند.

نتیجه‌گیری

پیامدهای جهانی شدن بر قدرت، خود را در چارچوب تحول از برداشت سخت از قدرت به سمت خوانش نرم در وهله نخست و فهم هوشمند از آن در وضعیت نوین برده است. در این وضعیت جمهوری اسلامی نیز متأثر از فضای متحول جهانی، با عنایت به تحول قدرت، دست به دگردیسی در سیاست خارجی خود در پرتو قدرت هوشمند زده است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با پشت‌سر نهادن خوانش سخت و نرم از قدرت در دوره‌های پیشین، به سمت وضعیت هوشمند قدرت نیل می‌نماید. البته باید متذکر شد که بسترها و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی، بیش از آنکه منطبق با دو گفتمان قبلی قدرت نرم یا سخت باشد، توازنی موزون از درهم‌کنشی قدرت هوشمند است.

در سطحی دیگر، در ارتباط با چارچوب نظری که خوانش قدرت هوشمند، مشمول وضعیت سیاست منطقه‌ای کشور می‌شود، باید گفت که: **اولاً؛** ایران برای اولین بار توانست نفوذ خود را از دل بحران سوریه و در دوران کنونی گسترش داده و به مدیترانه برساند. این به معنای توسعه نفوذ محور مقاومت هم بوده و در عین حال، ظرفیت‌سازی نوینی برای این محور ذیل اقتدار و آمریت ایران بوده است. **ثانیاً؛** ایران توانسته است خود را به مرزهای اسرائیل برساند. این رسیدن به مرزهای اسرائیل هم به شکل نرم و هم سخت در دوران کنونی توسعه یافته و باعث اعمال فشار بر سیاست‌های این کشور در قبال مسأله فلسطین و نیز سوریه شده است. **ثالثاً؛** توازن منابع قدرت ایران در چارچوب قدرت هوشمند، از فضای تحولات نوین جهانی شدن و توسعه ارتباطات جهان بهره‌برداری نموده و در چارچوب قدرت سایبری برای تأثیرگذاری بر اذهان شهروندان کشورهای دیگر، تغییر نگاه آن‌ها نسبت به جمهوری اسلامی نیز استفاده کرده است. **رابعاً؛** توسعه ظرفیت‌های محور مقاومت که در یمن با توسعه نفوذ هوشمند ایران به داخل

این کشور، زمینه را برای مواجهه با تهدیدهای عربستان، در مرزهای خود این کشور فراهم آورده است که این عامل باعث تضعیف قدرت مانور سعودی است.

در پایان نیز می‌توان مدعی شد که ایران در نفوذ به مرزهای اسرائیل بسیار موفق بوده و ظرفیت لازم برای تداوم محور مقاومت را با حمایت از حزب‌الله و حماس ایجاد نموده است. در عین حال ایران هیچ باکی از حمایت سخت و نظامی از حماس و حزب‌الله نداشته و آنها را با موشک و سلاح‌های سبک تجهیز نموده است. هرچند به این مسأله در مقاله پرداخته نشد که در تحولات نوین که به طرح معامله قرن علیه آرمان تاریخی فلسطین انجامیده؛ چرا که در حوزه بحث نوشتار نبود، اما جمهوری اسلامی علاوه بر تداوم سیاست حمایتی پیشین می‌بایست از قدرت خود در حوزه سایبری برای جذب دیدگاه اعراب و نیز شهروندان کشورهای غربی و اروپایی علیه این معامله بهره‌برداری نیز نماید. سرانجام نیز ایران از توانایی دیپلماسی عمومی خود برای مقابله با اسرائیل و نقشه‌های این رژیم، از طرق مختلف، خصوصاً مسیر حزب‌الله و حماس بهره‌گرفته است.

منابع

الف. منابع فارسی

- احمدی، حمید (۱۳۷۸). **قومیت و قوم‌گرایی در ایران**، تهران: نشر نی.
- اشرف، احمد (۱۳۸۳). «**بحران هویت ملی و قومی در ایران**»، **مندرج در: ایران: هویت، ملیت، قومیت**، به کوشش حمید احمدی، تهران: انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- افضلی، رسول؛ ذکی، یاشار و دشتی، محمدحسین (تابستان ۱۳۹۷). «مؤلفه‌های قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های آن در عرصه بین‌الملل از دید کارشناسان»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال هشتم، شماره دوم.
- افضلی، رسول؛ ذکی، یاشار و دشتی، محمدحسین (تابستان ۱۳۹۷). «مؤلفه‌های قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های آن در عرصه بین‌الملل از دید کارشناسان»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال هشتم، شماره دوم.
- آجیلی، هادی و افشاریان، رحیم (زمستان ۱۳۹۵). «گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت یازدهم»، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال پنجم، شماره ۱۹، پیاپی ۴۹.
- پورحسن، ناصر (پاییز ۱۳۹۶). «تکوین عمق راهبردی هوشمند جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه»، **فصلنامه علوم سیاسی**، سال بیستم، شماره هفتاد و نهم.
- پورحسن، ناصر (پاییز ۱۳۹۶). «تکوین عمق راهبردی هوشمند جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه»، **فصلنامه علوم سیاسی**، سال بیستم، شماره هفتاد و نهم.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر (پاییز ۱۳۹۲). «تاثیر جهانی شدن فرهنگ بر جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ایران»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، دوره ۱۰، شماره ۳۴.
- خرمشاد، محمدباقر و متقی، افشین (پاییز و زمستان ۱۳۹۵). «نقش انقلاب اسلامی در تقویت قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، سال ششم، شماره پانزدهم.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۶). «جنگ نامتقارن لبنان و امنیت ملی اسرائیل»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال ۲۱، شماره ۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و فیروزی، علیرضا (تابستان ۱۳۹۱). «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی در دوران اصول‌گرایی»، **فصلنامه روابط خارجی**، سال چهارم، شماره دوم.
- رضائی، علیرضا و ترابی، قاسم (تابستان ۱۳۹۲). «سیاست خارجی دولت حسن روحانی، تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه‌گرا»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، دوره ۵، شماره ۱۵.

- رینولد، ترزار (۱۳۸۹). **قدرت نرم و سیاست خارجی آمریکا در جنگ عراق طی سالهای ۱۹۹۱-۲۰۰۳**، ترجمه مجید رسولی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- سایت سازمان توسعه تجارت ایران: www.tpo.ir
- سلیمی، آرمان و زرین نرگس، یحیی (۲۶ خرداد ۱۳۹۳). بحران داعش و سناریوهای پیش روی حکومت اقلیم کردستان عراق، **دوهفته نامه دیارکهن**، شماره ۷۲.
- سنایی، اردشیر؛ کاویانپور مونا (۱۳۹۵). «ظهور داعش و تأثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات روابط بین الملل**، ۹ (۳۴).
- صادقی، سعید، عسگر خانی، ابومحمد (۱۳۹۰). «بررسی عملکرد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید»، **فصلنامه سیاست خارجی**، شماره ۹۹.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۶). **بنیادهای علم سیاست**، تهران: نشر نی.
- عبداللهیان، امیر (۱۴ مرداد ۱۳۹۴). **ایران اولین کشور کمک کننده به دولت عراق و اقلیم کردستان در مقابله با داعش بود**، خبرگزاری میزان، قابل دسترس در:
<http://www.shahrekhabar.com/political/1438785360536162>
- فتاحی اردکانی، حسین؛ مسعودنیا، حسین و امام جمعه زاده، سیدجواد (بهار و تابستان ۱۳۹۷). «تحلیل مفهوم قدرت و منابع تشکیل دهنده آن از دیدگاه جوزف نای (سخت، نرم، هوشمند)»، **فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، مقاله ۶، دوره ۸، شماره ۱۸.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴). **روابط بین الملل نظریه ها و رویکردها**، تهران، نشر سمت.
- محسنی، علی؛ جاودانی مقدم، مهدی و حاجی، محسن (پاییز ۱۳۹۷). «تحول پارادایمی مفهوم قدرت و امنیت در عصر جهانی شدن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام**، سال هشتم، شماره سوم.
- مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۸). **نقش منطقه ای عربستان و تحولات یمن، معاونت پژوهش های سیاست خارجی**.
- نای، جوزف (۱۳۸۷). **قدرت نرم**، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- نجات، سید علی و دیگران (۱۳۹۵). «راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن»، **فصلنامه مطالعات روابط بین الملل**، دوره نهم، شماره ۳۳.
- والس، کنت. ن. (۱۳۹۴). **نظریه سیاست بین الملل**، ترجمه روح الله طالبی آرانی، تهران: نشر مخاطب.
- ورنر، شارل (۱۳۶۰). **حکمت یونان**، ترجمه برزگر نادرزاده، تهران: انتشارات زوار.

ب. منابع انگلیسی

Abdul-Zahra, Qassim und Vivian, Salama (2014), Geheimnisvolle Figur Dieser General treibt IS vor sich her, at: http://www.t-online.de/nachrichten/ausland/krisen/id_71699822/iranischer-general-ghasem-soleimani-treibt-is-vor-sich-her.html

Bani Kamal, Abdol Moghset (2018), Uluslararası Politik Araştırmalar Dergisi, Volume 4, Issue 2.

Bozorgmehr, Najmeh (APRIL 16, 2016), Iran deploys army to bolster support for Syrian president, The Financial Times. Available at: <https://www.ft.com/content/1e8910d4-0194-11e6-99cb-83242733f755>

Cooper Helene (2015), U.S. Strategy in Iraq Increasingly Relies on Iran, at: <https://www.nytimes.com/2015/03/06/world/middleeast/us-strategy-in-iraq-increasingly-relies-on-iran.html>

Cull, Nicholas J. (13 April 2011), WikiLeaks, public diplomacy 2.0 and the state of digital public diplomacy, Place Branding and Public Diplomacy, Volume 7, Issue 1.

Elias, Firas (8 January 2019), Major Pillars of Iranian Public Diplomacy, Translated by Shaimaa Shedeed, New Iraq Center. From: <https://www.newiraqcenter.com/en/security/1768>

Garamone, Jim (MAY 24, 2019), DOD Approves Force Protection Deployment for Middle East, the US Department of Defense. From: <https://www.defense.gov/explore/story/Article/1857913/shanahan-approves-force-protection-deployment-for-middle-east/>

Haykel, Bernard (June 14, 2011), Saudi Arabia's Yemen Dilemma: How to Manage an Unruly Client State, Foreign Affairs. Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/saudi-arabia/2011-06-14/saudi-arabias-yemen-dilemma>

Haynes, J (2009), Causes and Consequences of Transnational Religious Soft Power, London Metropolitan University.

Hinen, Games (2008), Smart Power in the World, New York.

<https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/ym.html>

International Crisis Group (10 June 2014). The Huthis: From Saada to Sanaa, available at: <http://www.crisisgroup.org/~media/Files/Middle%20East%20North%20Africa/Iran%20Gulf/Yemen/154-the-huthis-from-saada-to-sanaa.pdf>.

Morgenthau, Hans J (1973), Politics among Nations: the Struggle for Power and Peace, New York, Alfred A. Knopf, 6nd edition.

Moyer, Edward (JUNE 22, 2019), US hits Iran with crippling cyberattacks, says a report. From: <https://www.cnet.com/news/us-hits-iran-with-crippling-cyberattack-says-a-report/>

Nayef R. F. Al-Rodhan Graeme P. Herd and Lisa Watanabe (2011). Critical Turning Points in the Middle East 1915–2015, New York: Palgrave Macmillan. P.3.

Nye, Joseph (2004), Soft Power, New York: Public Affairs.

Nye, Joseph (2008), Public Diplomacy and Soft Power The Annals of The American Academy of Political and Social Science, AAPSS, 616, March.

Nye, Joseph S. (1990), Soft Power, Foreign Policy, No.80, Twentieth Anniversary, autumn.

Nye, Joseph S. Jr (December 13, 2011), The Future of Power, PublicAffairs; Reprint edition.

Nye, Joseph S., Jr (2006), Think Again: Soft Power, Foreign Policy, Vol. 26. Available: www.foreignpolicy.com

Phillips, David L. (2015), Task Force Report State-Building In Iraqi Kurdistan, Institute for the Study of Human Rights, Columbia University, New York, NY 10027.

Prados, A & Sharp, (2005), Syria: political conditions&Relations with the United State after the Iraq War,CongressionalResearch Service, CRS Report for Congress.

Rudoren, Jodi (Sept. 7, 2014), Palestinian Leader Assails Hamas, Calling Unity Pact into Question, NyTimes. From: https://www.nytimes.com/2014/09/08/world/middleeast/gaza-strip-palestinian-leader-assails-hamas-calling-unity-pact-into-question.html?_r=0

Seeberg, P. (2012), Syria and the EU. The crisis in Syria and the international sanctions with a focus on Syrian-EU relations, VidenscenteromdetmoderneMellemøsten

Shapira.S (1988), The Origins of Hizballah, In the Jerusalem Quarterly: No: 46.

Stewart, Scott (Dec 18, 2018), How Iran's Cyber Game Plan Reflects Its Asymmetrical War Strategy. From: <https://worldview.stratfor.com/article/68436396>

Volz, Dustin (June 21, 2019), Iran Tensions Could Prompt Cyberattacks, U.S. Fears, the Wall Street Journal.

Vuving, Alexander L. (2009), How Soft Power Works, A paper presented at the panel Soft Power and Smart Power, American Political Science Association annual meeting, Toronto, Available: www.apcss.org.

Wilson, Jeanne (2004), Strategic Partners: Russia - Chines Relatins in the PostSoviet Era, M. E. Sharp, Armonk New York.

